

تجزیه و تحلیل جریان وجوه در بخش‌های اقتصادی ایران*

مجید صامتی

از آنجا که سیستم حساب‌های ملی تنها می‌تواند مقدار مطلق مصرف، پس‌انداز و سرمایه‌گذاری بخش عمومی و خصوصی را محاسبه کند، لذا در کنار این سیستم لازم است الگوی دیگری علاوه بر حجم فیزیکی فعالیت‌های اقتصادی حرکت و روابط عرضه و تقاضای منابع پولی و مالی بین بخش‌ها را نشان دهد و این مقاله سعی در شناخت این سیستم یعنی الگوی جریان وجوه دارد.

در الگوی جریان وجوه می‌توان از چهار روش (جبری، جدولی، تشریحی و هندسی) استفاده کرد و در این مقاله به روش جدولی و تا حدودی روش هندسی اشاره شده است. در روش جدولی اقتصاد به چهار بخش مؤسسات مالی، بخش عمومی غیر مالی، بخش خصوصی غیر مالی و دنیای خارج تقسیم شده است و بخش‌های مذکور را در سه بازار پولی، مالی و بازار وجوه که از جمع دو بازار اول حاصل شده است، مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دهد. همچنین تکنیک بازارها بر اساس تقسیم دارائی‌ها و اعتبارات به صورت کوتاه‌مدت و درازمدت صورت گرفته است.

این مقاله پس از بررسی سابقه و اهمیت حسابداری جریان وجوه، به کاربرد آن در ایران می‌پردازد و سپس به نتایج همچون موارد زیر اشاره می‌کند:

۱. تغییر گردش فعالیت‌های مالی بخش مؤسسات مالی از وجوه دارای ماهیت درازمدت به کوتاه‌مدت.
۲. در سالهای افزایش بودجه، عرضه وجوه بخش عمومی غیر مالی به مؤسسات مالی گرایش یافته است.
۳. به دلیل تحولات سیاسی و اقتصادی و به تبع آن عدم ثبات در سیاست‌گذاری‌های اقتصادی، بازارهای پولی و مالی با نوسان‌های شدیدی مواجه بوده است.
۴. در بخش عمومی غیر مالی، برترک نسبی کارایی و بازدهی وجوه درازمدت فعالیت‌های مالی نسبت به فعالیت‌های پولی (وجوه کوتاه‌مدت) وجود داشته است.
۵. در دوره لیل از انقلاب بخش خصوصی غیر مالی دارای بالاترین سهم منابع وجوه بوده است که در دوره پید از انقلاب (۶۴-۱۳۵۸) به نفع بخش عمومی غیر مالی تغییر کرده است.

مقدمه

در این مقاله چند نکته مورد بررسی قرار می‌گیرد:

— جریان وجوه چیست و چرا در اقتصاد ایران باید تحقیق و بررسی شود؟

* این مقاله از بخش دوم طرح تحقیقاتی تدوین الگوی جریان وجوه برای ایران استخراج شده است و هدف آن تبیین و تجزیه و تحلیل جریان وجوه در بخش‌های اقتصادی ایران است. ضمناً در این مقاله به منظور جلوگیری از اطاله کلام از ذکر تعریف واژه‌های بکار رفته تا حد ممکن خودداری می‌شود. خوانندگان عزیز برای مطالعه و آگاهی بیشتر به متن طرح مراجعه فرمایند.

— سابقه فعالیت کشورهای دیگر در این زمینه چگونه بوده است؟

— سابقه فعالیت در ایران.

منظور از وجوه، منابع پولی و مالی و جریان نقل و انتقال این منابع است و یاد داد و ستد بخشی

را توضیح می‌دهد:

سیستم حساب‌های ملی^۱ از هر روش که مورد بررسی قرار گیرد (روش هزینه‌ها، درآمدها یا ارزش افزوده) صرفاً قادر است یک مقدار مطلق از مصرف، پس‌انداز و سرمایه‌گذاری بخش عمومی و خصوصی را محاسبه کند. این سیستم که با سابقه‌ترین روش برای اندازه‌گیری حجم فعالیت‌های اقتصادی است، نمی‌تواند روابط و جریان پولی و مالی بین بخش‌های اقتصادی را تبیین کند. این وضعیت سبب می‌شود که دولت به عنوان اساسی‌ترین رکن سیاست‌گذاری در اقتصاد ایران از نقل و انتقال منابع وجوه بین بخش‌های مختلف اقتصاد بخوبی آگاه نباشد و اتخاذ سیاست‌های پولی و مالی به عنوان مهم‌ترین سیاست‌های اقتصادی با نتایج مورد انتظار همخوان نباشد.

لذا در کنار سیستم SNA الگوی دیگری لازم است که بتواند علاوه بر اندازه‌گیری حجم فیزیکی فعالیت‌های اقتصادی، حرکت و روابط عرضه و تقاضای منابع پولی و مالی بین بخش‌ها را نشان دهد و آن الگوی جریان وجوه است.

در کشورهای امریکا، انگلستان، اسرائیل، ترکیه و هند تهیه جداول جریان وجوه از سه دهه پیش آغاز گردیده و روش کار آن‌ها بیشتر به صورت گزارشی و تحلیل نمودارها و جدول‌ها بوده است و ما با مطالعه آنها تلفیقی از روش‌های مختلف را برای ایران انتخاب کردیم.

در ایران اولین الگوی جریان وجوه توسط شخصی به نام وربایست^۲ در سال ۱۳۵۶ در بانک مرکزی تهیه گردید که فقط دارای شکل جبری بوده و هیچ‌گونه کار عملی برای آن انجام نشده بود. در همین زمینه پس از او فعالیت‌هایی توسط کارشناسان بانک مرکزی انجام شده است که تا حدودی این تجربیات را مورد استفاده قرار داده‌ایم.

در طرح اصلی چهار روش تشریحی، جدولی، هندسی و جبری برای تحلیل الگوی جریان وجوه ایران به کار گرفته شده است که در این مقاله تنها روش تحلیل جدولی آورده می‌شود. در این روش ابتدا اقتصاد را به چهار بخش مؤسسات مالی، بخش عمومی غیرمالی، بخش خصوصی غیرمالی و بخش دنیای خارج تقسیم کرده‌ایم و بخش‌های مذکور را در سه بازار پولی، مالی و بازار وجوه (جمع بازارهای پولی و مالی) مورد تجزیه و تحلیل قرار داده‌ایم.

تفکیک بازارها براساس تقسیم دارائی‌ها و اعتبارات به صورت کوتاه‌مدت و بلندمدت انجام شده است، به گونه‌ای که بازار پولی متشکل از جمع پول نقد و سپرده‌های مالی و اعتبارات کوتاه‌مدت است. بازار مالی متشکل از جمع دارائی‌های خارجی، سرمایه پرداخت شده و مشارکت در بانک‌ها و

اعتبارات بلندمدت است. بازار وجوه از جمع منابع بازارهای پولی و مالی تشکیل شده است. پس از تشریح ساختار جدول‌های ماتریس و تجزیه و تحلیل‌های لازم، مختصری از تحلیل‌های هندسی و نتایج عملی طرح در این مقاله ارائه خواهد شد.

۱. سابقه و اهمیت حسابداری جریان وجوه

اصولاً برای برنامه‌ریزی فعالیت‌های اقتصادی لازم است که حساب‌های اقتصادی بخش‌ها و فعالیت‌های مختلف یک کشور در مجموعه مشخصی اندازه‌گیری، ثبت و تجزیه و تحلیل شود. این کار برای اولین بار توسط اقتصاددانی به نام ریچارد استون^۱ مورد توجه جدی قرار گرفت. وی در ۱۹۴۷ گزارش جامعی تحت عنوان اندازه‌گیری درآمد ملی و ساخت حساب‌های اجتماعی منتشر ساخت که پس از اصلاح آن در ۱۹۵۳ توسط سازمان ملل به تمام کشورهای عضو دارای اقتصاد غیرمتمرکز توصیه شد. این طرح در واقع سیستمی بود که به مثابه حسابداری شرکت‌های تجاری حساب‌های مختلف ملی را در صورت حساب‌های مختلف به صورت منظم ارائه می‌داد. اما همان‌طور که می‌دانید فعالیت‌های اقتصادی اصولاً در دو مسیر مختلف جریان دارد؛ یکی در قالب اقلام کالاهای فیزیکی و دیگری در قالب اسناد مالی که در برگیرنده پرداخت‌های پولی، اوراق بهادار و سایر اقلام مالی است. حسابداری حساب‌های ملی از این جهت که تنها اقلام جریان‌های پولی فیزیکی کالاهای خدمات را در برمی‌گیرد نمی‌تواند به نحو مطلوبی گردش فعالیت‌های اقتصادی را تماماً به نمایش بگذارد. از طرف دیگر، حسابداری حساب‌های جریان وجوه به گونه‌ای طراحی شده است که کلیه فعالیت‌های مالی و غیر مالی را در قالب منابع و مصارف در برمی‌گیرد. سیستم حسابداری جریان وجوه از سه جنبه حائز اهمیت است. اول این که از طریق بررسی عملکرد بخش‌های مالی و غیر مالی می‌توان تشخیص داد که چه در صدی از کدام بخش‌های اقتصادی درگیر فعالیت‌های واسطه‌گری غیر تولیدی‌اند. بدیهی است گسترش بی‌رویه این گونه فعالیت‌ها توان بالفعل اقتصاد را تضعیف می‌کند؛ و دیگر این که با توجه به منابع و مصارف هر بخش براحتی می‌توان جریان‌های سرمایه - پس‌انداز و دارائی - بدهی آن‌ها را تحت کنترل و نظارت قرارداد؛ و مورد سوم، برنامه‌ریزی مالی گردش فعالیت‌های اقتصادی است که از طریق حسابداری ملی امکان‌پذیر نیست. در برنامه‌ریزی، تحلیل‌های مالی به دو دسته تقسیم می‌شوند: دسته اول کاربرد ترمینال‌های مالی صورت می‌گیرد که به زبان گلداسمیت^۲ به تشریح فاکتورهایی پرداخته می‌شود که تفاوت و اختلاف در اندازه و ویژگی‌های روبنای مالی کشور در مراحل مختلف توسعه را نشان می‌دهد.

در این گونه کارها که برای اولین بار توسط گارلی و شوا^۳ صورت گرفت، پارامترهایی نظیر

تولید، پس‌انداز، سرمایه‌گذاری و واسطه‌گری‌های مالی که سبب می‌شوند نرخ رشد دارائی‌های مالی بیشتر از رشد GNP باشد، مورد بررسی قرار می‌گیرند. برخی از نسبت‌های این گروه عبارتند از: نسبت پول در گردش به سپرده‌های بانکی، نسبت مطالعات مالی مستقیم و غیرمستقیم، و نسبت‌های بخشی پس‌انداز به سرمایه‌گذاری. گروه دوم، تحلیل‌های مالی به بررسی زمینه‌های کلی می‌پردازد که تأکید خود را بر اثرات فعالیت‌های مالی بر سطح فعالیت‌های اقتصادی در سطح کلان اقتصادی معطوف می‌دارد.

۱-۱. سابقه تاریخی الگوهای جریان وجوه

اولین بار، در سال ۱۹۳۴، بانک مرکزی ایالات متحده به تحلیل فعالیت‌های مالی پرداخت. در ۱۹۳۶ بانک مرکزی کانادا نیز به تحقیقات مشابهی اقدام کرد. در ۱۹۴۵ زلاندنو نیز کارهایی در این زمینه صورت داد. کارهای مشابهی نیز در فرانسه در ۱۹۴۷ صورت گرفت تا این که در همین سال فردی به نام موریس کوپلند^۱ در کتاب خود دقیقاً مسئله جریان‌های وجوه نقد اقتصاد امریکا را مورد تجزیه و تحلیل قرار داد. در این کتاب جریان‌های مالی امریکا در سال‌های ۴۶ - ۱۹۳۶ تحت یک نظام محاسباتی مشخص محاسبه شدند. مرکز آمار هلند در ۱۹۴۷، و کشور فنلاند در ۱۹۴۹ نیز جدول‌های حساب‌های جریان وجوه را برای اقتصاد خود تهیه کردند. به هر حال، اساس و زیربنای محاسبات جریان وجوه را باید به آقای کوپلند و کارهای تحلیلی او نسبت داد. در روشی که وی پیشنهاد می‌کند، ابتدا باید اقتصاد را به دو دسته بخش‌های مازاد و کسری‌دار تقسیم کرد. از این نظر هرگاه حجم وجوه تقاضا شده از طرف بخش‌های کسری بیشتر از میزان وجوه عرضه شده از جانب بخش‌های مازاد باشد، اقتصاد مواجه با فشارهای تورمی و در جهت عکس مواجه با فشارهای رکودی خواهد بود. در ایران هم برای اولین بار در ۱۳۵۲ حساب‌های جریان وجوه تهیه شد.

۱-۲. مبانی نظری

تهیه جدول نمونه جریان وجوه

جدول ۱-۱ شکل خلاصه شده منابع و مصارف را نشان می‌دهد. این جدول از دو قسمت کلی تشکیل می‌شود؛ قسمت اول نشان دهنده اختلاف بین دو مقدار دارائی مالی از دو مقطع زمانی t_0 و t_1 است. این اختلاف در واقع بیانگر جریان مصارف وجوه در بخش مربوطه است. قسمت دیگر، نشان‌دهنده اختلاف بین دو مقدار بدهی مالی از دو مقطع مذکور است. این مقدار در واقع بیانگر

جریان منابع وجوه بخش مربوطه است.

جدول ۱-۱

منابع	مصارف
دریافتی جاری R	هزینه‌ها C پس‌انداز S
پس‌انداز S وام‌های دریافتی LR	سرمایه‌گذاری I وام‌های پرداختی LP

الگوی ماتریسی

پس از تهیه جداول منابع و مصارف هریخش، می‌توان با کنار هم قرار دادن این جداول به جدول کلی جریان وجوه اقتصاد دست یافت. اگر Y درآمد جاری، B وام دریافتی، C هزینه جاری و I سرمایه‌گذاری و L وام‌های اعطایی باشد، آنگاه داریم:

$$Y + B = C + I + L \quad (1-1)$$

$$Y - C - I = L - B \quad (1-2)$$

از طرفی می‌دانیم که $S = Y - C$ است، لذا داریم:

$$S - I = L - B \quad (1-3)$$

حال این روابط را در یک ماتریس برای بخش‌های مختلف اقتصادی بسط می‌دهیم:

جدول ۲ - ۱: طرح کلی حساب های جریان وجوه

جریان منابع بخش	بدهی در زمان t_1	بدهی در زمان t_0	جریان مصارف بخش	دارائی در زمان t_1	دارائی در زمان t_0
S	D_1	D_0	U	E_1	E_0
$\Delta D_1 = D_1^1 - D_0^1$	D_1^1	D_0^1	$F = F - F$	F_1^1	F_0^1
0	D_1^2	D_0^2	0	F_1^2	F_0^1
0	0	0	0	0	0
0	0	0	0	0	0
0	0	0	0	0	0
0	D_1^{n-1}	D_0^{n-1}	0	F_1^{n-1}	F_0^{n-1}
$\Delta D_n = D_1^n - D_0^n$	D_1^n	D_0^n	$\Delta F_n = F_1^n - F_0^n$	F_1^n	F_0^n
$\Sigma_{i=1}^n = D_1 - S$	$\Sigma_{i=1}^n D_1^i$	$\Sigma_{i=1}^n D_0^i$	$\Sigma_{i=1}^n = F_i = U$	$\Sigma_{i=1}^n F_1^i$	$\Sigma_{i=1}^n F_0^i$

در جدول فوق F_0^{n-1} = دارائی مالی (n - 1) ام سال صفر است.

D_1^{n-1} = بدهی مالی (n - 1) ام سال یک است.

ΔF = اختلافات دارائی n ام در دو سال صفر و یک است.

ΔD_n = اختلاف بدهی n ام در دو سال صفر و یک است.

ΔF و ΔD = تغییرات دارائی و بدهی در دو سال متوالی.

جدول ۳ - ۱: ماتریس جریان وجوه

تمام بخش ها		...	بخش دوم		بخش	
U	S		U ₂	S ₂	U ₁	S ₁
C	R		C ₂	R ₂	S ₁	R ₁
S			S ₂		S ₁	
I	S		I ₂	S ₂	I ₁	S ₁
L	B		L ₂	B ₂	L ₁	B ₁
Σ	= Σ		Σ	= Σ	Σ	= Σ

الگوی گزارشی

در این روش، داده و ستانده بخشی مطرح نیست. به عبارت دیگر، جدول منابع و مصارف هر بخش به تفصیل شامل خالص جریان‌های منابع و مصارف به صورت یک گزارش ارائه می‌شود. برای مثال، نمونه‌ای از جدول گزارشی جریان وجوه کشور انگلستان که در سال‌های ۱۹۶۳ تا ۱۹۷۰ تهیه شده است ارائه می‌شود:

جدول جریان وجوه بخش خارجی:

سال‌ها	۷۰	۶۷	۶۵	۱۹۶۳
— مازاد یا کسری مالی	-۵۷۹	۲۹۸	۵۲	-۱۲۴

معاملات مالی کشور انگلستان

بخش خصوصی

جریان‌های سرمایه‌ای

— معاملات با شرکت‌های خارجی و اوراق بهادار

-۸۵ -۷۰ ۷۷ -۴۵

۲. کاربرد در ایران

۱ - ۲. تحلیل جدول‌ها

در تحلیل ارقام جدول‌ها به‌طور کلی سه جدول ماتریسی داریم که دارای فرم عمومی زیر با اطلاعات آماری ۶۴ - ۱۳۵۳ است. این جدول‌ها شامل ماتریس جریان وجوه (بازار پول و مالی)، ماتریس جریان وجوه (بازار پولی) و ماتریس جریان وجوه (بازار مالی) است.

عناصر ماتریس فوق به شرح زیر تعریف می‌شوند:

عناصر a_{ij} نشان‌دهنده تقاضای وجوه بخش i ام بخش j ام است، به گونه‌ای که $i=1,2,\dots$ و

$j=1,2,\dots$

در ۱۲ سال مورد مطالعه برای هر سال مالی یک ماتریس به صورت فوق خواهیم داشت. به طوری که از ۱۲ ماتریس برای بازارهای پولی و مالی به تفکیک و جمع دو بازار، سه ماتریس که عناصر آن از متوسط ماتریس‌های فوق (۱۲ سال مورد مطالعه) به دست آمده‌اند تشکیل می‌شود، که فرم جبری آن را می‌توان به صورت زیر نشان داد:

$$a_{ij} = \frac{\sum_{k=1}^{12} a_{ij}^k}{12}$$

ماتریس جریان وجوه در بازار پولی

فرم عمومی ماتریس به صورت زیر نشان داده می شود:

مصارف منابع	W1	W2	W3	W4	TW
W ₁	\bar{W}_{11}	\bar{W}_{12}	\bar{W}_{13}	\bar{W}_{14}	$T\bar{W}_1$
W ₂	\bar{W}_{21}	\bar{W}_{22}	\bar{W}_{23}	\bar{W}_{24}	$T\bar{W}_2$
W ₃	\bar{W}_{31}	\bar{W}_{32}	\bar{W}_{33}	\bar{W}_{34}	$T\bar{W}_3$
W ₄	\bar{W}_{41}	\bar{W}_{42}	\bar{W}_{43}	\bar{W}_{44}	$T\bar{W}_4$

به طوری که W₁ تا W₄ نشان دهنده بخش های اقتصادی به ترتیب بخش مؤسسات مالی، بخش عمومی غیر مالی، بخش خصوصی غیر مالی و بخش دنیای خارج است، و $T\bar{W}_1$ تا $T\bar{W}_4$ نشان دهنده متوسط جمع تقاضای پولی هر بخش از سایر بخش ها است.

در این حالت، به طوری که قبلاً توضیح داده شد، W_{ij} نشان دهنده میانگین ۱۲ ساله تقاضای پولی بخش i از بخش j است که به صورت زیر می توان نشان داد:

$$W_{ij} = \frac{\sum_{k=1}^{12} W_{ij}}{12}$$

ماتریس اعداد حقیقی جریان وجوه در بازار پولی با استفاده از داده های سری زمانی ۶۴-۱۳۵۳

به صورت زیر نوشته می شود:

(ارقام: میلیارد ریال)

TW	W ₄	W ₃	W ₂	W ₁	مصارف منابع
۱۱۹۳۶۳۳/۹	۱۶۵۰۶/۲۵	۷۹۱۲۷۰/۸۸	۱۷۳۹۸۷/۸۶	۲۱۱۸۶۸/۹۳	W ₁
۲۰۱۳۸۹/۵	۱۳۸۵۷/۹۱	۷۹۸۵۵/۱۹	۱۱۲۷۵۷/۳۴	-۵۰۸۰/۹۶	W ₂
۸۷۰۰۵/۵	۱۰۸۱۰/۰۲	-۷۸۰۵۰/۸۸	۴۲۳۱۹/۸۹	۱۱۱۹۲۶/۵۱	W ₃
۱۷۲۸۲/۳	-۵۴۶۹/۸	-۱۲۴۵۱/۴	۱۸۹۲۹/۲	۱۶۲۷۴/۴	W ₄

عناصر ماتریس فوق، به طوری که قبلاً اشاره شد، بیانگر متوسط تقاضای پولی بخشی هر بخش از سایر بخش‌های اقتصادی برحسب میلیارد ریال است.

رقم $211868/93$ میلیارد ریال نشان‌دهنده متوسط تقاضای پولی بخش مؤسسات مالی از خودش طی ۱۲ سال مورد مطالعه است. رقم $173987/86$ میلیارد ریال متوسط تقاضای پولی بخش مؤسسات مالی از بخش عمومی غیرمالی را نشان می‌دهد.

در ماتریس فوق ارقامی که به صورت منفی آورده شده‌اند دارای مفهوم عرضه پولی بخشی برای بخش مربوطه‌اند. به عنوان مثال، عنصر \bar{W}_{21} معادل $5080/96$ - بیانگر متوسط تقاضای منفی بخش عمومی غیرمالی از بخش مؤسسات مالی یا به عبارت دیگر عرضه پولی بخش عمومی غیرمالی است. (عکس تحلیل فوق برای زمانی که عرضه پولی بخش‌ها را مورد بررسی قرار دهیم، برای بخش مؤسسات مالی به بخش عمومی غیرمالی صادق است.)

اگر اقلام ماتریس فوق را به صورت سطری مطالعه کنیم، ملاحظه خواهد شد که مؤسسات مالی به طور متوسط بیشترین تقاضای پولی‌شان از طرف بخش خصوصی غیرمالی (W_3) و رقمی معادل $791270/88$ میلیارد ریال تأمین می‌شود و پس از آن به ترتیب خود مؤسسات مالی (W_1)، بخش عمومی غیرمالی (W_2) و بخش دنیای خارج (W_4) در تأمین تقاضای پولی بخش فوق مشارکت دارند.

در سطر دوم ماتریس فوق، (W_2) بخش عمومی غیرمالی، بیشترین سهم تقاضای پولی آن از طرف خود بخش (W_{22}) معادل $112757/34$ میلیارد ریال و پس از آن به ترتیب بخش خصوصی غیرمالی (W_3) و بخش دنیای خارج (W_4) تأمین می‌شود. تقاضای پولی این بخش از بخش مؤسسات مالی (W_1) به صورت منفی است؛ یعنی بخش فوق به مؤسسات مالی عرضه پولی دارد.

در سطر سوم ماتریس، (W_3) بخش خصوصی غیرمالی، بیشترین سهم تقاضای پولی این بخش از طرف بخش مؤسسات مالی (W_1) معادل $(111926/51)$ میلیارد ریال و پس از آن بخش عمومی غیرمالی (W_2) و بخش دنیای خارج (W_4) تأمین می‌شود. تقاضای بخش خصوصی غیرمالی از خود بخش به صورت منفی و معادل $(78050/88)$ میلیارد ریال است. به عبارت دیگر، عرضه پولی به بخش خودش دارد.

در سطر چهارم، (W_4) بخش دنیای خارج، بیشترین سهم تقاضای پولی‌اش از طرف بخش عمومی غیرمالی (W_2) و پس از آن بخش مؤسسات مالی (W_1) تأمین می‌شود. این بخش به بخش خصوصی غیرمالی عرضه پولی معادل $(12451/4)$ میلیارد ریال و به بخش خودش نیز عرضه پولی معادل $(5469/8)$ میلیارد ریال دارد.

در مجموع با نگاهی کلی به ماتریس فوق می‌توان گفت که بیشترین تقاضای پولی از طرف بخش مؤسسات مالی (W_1) صورت می‌گیرد و نیز بیشترین سهم پاسخگویی به تقاضای پولی بخش‌ها

متعلق به بخش خصوصی غیر مالی (W_3) است.

اعداد ستون سمت راست ماتریس (TW) نشان دهنده متوسط تقاضای پولی کل (\overline{TW}) هر بخش در دوره مورد مطالعه است. ارقام \overline{TW}_1 تا \overline{TW}_4 به ترتیب نشان دهنده متوسط تقاضای پولی کل بخش های یکم تا چهارم است.

لازم به ذکر است که \overline{TW} به عنوان یک شاخص برای تقاضای متوسط پولی هر بخش به این دلیل که برخی از بخش ها تقاضای منفی بخش دارند (مانند W_{21}) ممکن است کوچک تر از تقاضای بخشی دیگر بخش های مربوطه باشد.

از دیدگاه تمرکز و عدم تمرکز بخشی می توان گفت که بیشترین تمرکز بخشی در بازار پولی در بین بخش های مؤسسات مالی و بخش خصوصی غیر مالی وجود دارد، و کمترین تمرکز بخشی در بین بخش دنیای خارج و سایر بخش ها مطرح است. دلیل اساسی مسأله فوق را باید در حجم مبادلات و معاملات پولی و مالی بخش ها طی زمان بررسی کرد. به عبارت دیگر، بخش مؤسسات مالی و بخش خصوصی غیر مالی به این دلیل دارای تمرکز بخشی در بازار پولی اند که حجم فعالیت هایشان از نظر اقتصادی بیشتر از دو بخش دیگر است.

بررسی روند زمانی تمرکز بخشی در بازار پولی در مبحث تحلیل های نموداری صورت می گیرد.

ماتریس جریان وجوه در بازار مالی

مشابه بازار پولی برای بازار مالی فرم عمومی ماتریس به صورت زیر نوشته می شود:

منابع مصارف	F1	F2	F3	F4	TF
F ₁	\overline{F}_{11}	\overline{F}_{12}	\overline{F}_{13}	\overline{F}_{14}	\overline{TF}_1
F ₂	\overline{F}_{21}	\overline{F}_{22}	\overline{F}_{23}	\overline{F}_{24}	\overline{TF}_2
F ₃	\overline{F}_{31}	\overline{F}_{32}	\overline{F}_{33}	\overline{F}_{34}	\overline{TF}_3
F ₄	\overline{F}_{41}	\overline{F}_{42}	\overline{F}_{43}	\overline{F}_{44}	\overline{TF}_4

F_1 تا F_4 بخش های اقتصادی چهارگانه در بازار مالی، \overline{F}_{ij} میانگین تقاضای مالی بخش i ام از بخش j ام و \overline{TF}_i نشان دهنده متوسط تقاضای مالی کل هر بخش از سایر بخش ها است.

ماتریس اعداد حقیقی جریان وجوه در بازار مالی با استفاده از سری های زمانی ۶۴ - ۱۳۵۳

به صورت زیر نوشته می‌شود:

TF	F ₄	F ₃	F ₂	F ₁	منابع مصارف
۴۳۰۳۷/۲۳	۴۰۷۳/۸	- ۱۰۳۳۵/۳۷	۴۶۹۷۲/۳۶	۲۳۲۶/۷۶	F ₁
۷۲۱۷۰۲/۳۵	- ۵۶۶۷۶/۴	۱۲۰۴۵/۴	۱۲۶۶۶۵/۴	۶۳۹۶۶۷/۹	F ₂
۴۲۷۵۳۴/۲۷	۱۵۳۸۶/۱	۶۸۷/۸	۱۲۸۹۶۴/۴	۲۸۲۴۹۵/۹۷	F ₃
۲۸۸۶۱۲/۰۲	۴۶۰۶/۲	۲۴۸۹۳/۹۲	۹۰۰۵۷/۹۱	۱۶۹۰۵۳/۹۸	F ₄

چنانچه قبلاً نیز متذکر شدیم، عناصر ماتریس فوق میانگین تقاضای مالی هر بخش از بخش دیگر را در اقتصاد در دوره مورد مطالعه نشان می‌دهد. ارقام منفی بیانگر تقاضای مالی منفی (عرضه مالی) است.

در صورتی که ماتریس را به صورت سطری مطالعه کنیم، در سطر اول (F₁) بیشترین سهم تقاضای مالی مؤسسات مالی از طرف بخش عمومی غیرمالی و پس از آن بخش خودش و بخش دنیای خارج تأمین می‌شود. این بخش به بخش خصوصی غیرمالی عرضه مالی معادل (۱۰۳۳۵/۷۲) میلیارد ریال دارد.

در سطر دوم (F₂) بیشترین سهم تقاضای مالی بخش عمومی غیرمالی رقم ۶۳۹۶۶۷/۹ میلیارد ریال است که از طرف بخش مؤسسات مالی تأمین می‌شود و پس از آن خود بخش عمومی غیرمالی و بخش خصوصی غیرمالی تأمین‌کننده تقاضای مالی بخش فوق است. عرضه مالی این بخش به بخش دنیای خارج معادل (۵۶۶۷۶/۴) میلیارد ریال است. در واقع می‌توان گفت بیشترین ارتباط بخش عمومی غیرمالی با بخش مؤسسات مالی است.

در سطر سوم (F₃) سهم عمده تقاضای مالی بخش خصوصی غیرمالی از طرف مؤسسات مالی تأمین می‌شود که معادل رقم ۲۸۲۴۹۵/۹۷ میلیارد ریال است و پس از آن بخش عمومی غیرمالی و کمترین سهم از تقاضای مالی از طرف خود بخش خصوصی غیرمالی تأمین می‌شود.

در سطر چهارم (F₄) عمدتاً تقاضای مالی بخش دنیای خارج نیز از طرف مؤسسات مالی معادل ۱۶۹۰۵۳/۹۸ میلیارد ریال پاسخ‌گفته می‌شود و کمترین سهم در تأمین تقاضای مالی بخش فوق مربوط به خود بخش دنیای خارج است.

در مجموع می‌توان گفت که تأمین تقاضای مالی کلیه بخش‌ها در درجه اول توسط بخش مؤسسات مالی صورت می‌گیرد و از این دیدگاه بیشترین ارتباط بین بخش مذکور و سایر بخش‌ها برقرار است و این در حالی است که سهم عمده تقاضای بخش مؤسسات مالی از طرف بخش عمومی

غیرمالی تأمین می شود.

از نظر تمرکز و عدم تمرکز بخشی، بیشترین تمرکز بخشی در بازار مالی در بخش عمومی غیرمالی که رقم متوسط تقاضای مالی کل آن طی دوره مورد مطالعه معادل $۷۲۱۷۰۲/۳۵$ میلیارد ریال است و بعد از آن، بخش خصوصی غیرمالی و بخش دنیای خارج قرار دارند. کمترین تمرکز بخشی در بازار مالی مربوط به بخش مؤسسات مالی طی دوره است. دلایل اساسی آن و همچنین روند تمرکز و عدم تمرکز در مبحث تحلیل های نموداری مورد بررسی قرار می گیرد.

از تحلیل جداول ماتریسی در دو بازار فوق می توان ملاحظه کرد که جهت گیری سیاست های پولی عمدتاً به سمت مؤسسات مالی و جهت گیری سیاست های مالی به سمت بخش عمومی غیرمالی و بخش خصوصی غیرمالی طی دوره مورد مطالعه بوده است.

ماتریس جریان وجوه در بازار وجوه (بازار پولی و مالی)

در این مبحث بازار پولی و مالی به صورت مشترک مورد مطالعه قرار می گیرد. اقلام مربوط به هر یک از بخش های اقتصادی مرکب از اقلام پولی و مالی بخش مربوطه است. فرم عمومی ماتریس بازار وجوه را به صورت زیر نشان می دهیم:

مصارف منابع	X1	X2	X3	X4	Y
X ₁	\bar{X}_{11}	\bar{X}_{12}	\bar{X}_{13}	\bar{X}_{14}	\bar{Y}_1
X ₂	\bar{X}_{21}	\bar{X}_{22}	\bar{X}_{23}	\bar{X}_{24}	\bar{Y}_2
X ₃	\bar{X}_{31}	\bar{X}_{32}	\bar{X}_{33}	\bar{X}_{34}	\bar{Y}_3
X ₄	\bar{X}_{41}	\bar{X}_{42}	\bar{X}_{43}	\bar{X}_{44}	\bar{Y}_4

X₁ تا X₄ بخش های اقتصادی چهارگانه در بازار وجوه (پولی و مالی)، X_{ij} تقاضای متوسط وجوه بخش i از بخش j ام و مجموع تقاضای متوسط وجوه کل هر بخش از سایر بخش ها را در مقطع سال های ۶۴ - ۱۳۵۳ نشان می دهد.

تمامی تعاریف ذکر شده برای عناصر ماتریس های جریان وجوه بازار پولی و بازار مالی در این مبحث نیز صادق خواهد بود. تنها تفاوت، وجود عنصر مشترک بین دو بازار قبل برای این بازار است. ماتریس اعداد حقیقی جریان وجوه بازار وجوه با استفاده از سری های زمانی ۶۴ - ۱۳۵۳ به

صورت زیر تعریف می‌شود:

منابع	مصارف	X_1	X_2	X_3	X_4	Y
X_1	۲۱۳۱۶۵/۴۰	۲۱۲۹۵/۰۰	۸۰۹۲۹۸/۱۸	۱۴۰۷۳/۸۵	۱۲۴۷۸۳۲/۵	
X_2	۶۳۴۵۸۶/۹۳	۲۳۹۹۲۲/۸۰	۹۱۴۰۰/۶۰	- ۶۳۷۰/۲۲	۹۵۹۵۴۰/۰۷	
X_3	۳۹۴۴۲۶/۲۴	۹۷۶۸۱/۳۸	- ۱۲۶۳۰/۱۶۹	۱۲۰۷۴/۲۲	۳۷۷۸۸۰/۱۶	
X_4	۹۰۴۰۰/۷۰	۷۳۸۵۵/۹۸	۷۹۱۰۰/۴۴۰	- ۳۵۱۷۸/۸۰	۲۰۸۱۷۸/۲۸	

ارقام ماتریس فوق متوسط تقاضای وجوه هر بخش از سایر بخش‌ها را در دوره مورد مطالعه نشان می‌دهد. ارقام منفی بیانگر تقاضای وجوه به صورت منفی (عرضه وجوه) است.

در صورتی که ماتریس فوق را به صورت سطری بررسی کنیم، در سطر اول (X_1) بیشترین سهم تقاضای وجوه مؤسسات مالی از بخش خصوصی غیرمالی و پس از آن بخش مربوط به خودش و بخش عمومی غیرمالی تأمین می‌شود. اگر به عناصر مربوط به همین بخش در ماتریس‌های پولی و مالی (F_{13} و W_{13}) به تفکیک توجه کنیم، ملاحظه می‌شود که بخش مؤسسات مالی در حالی که عرضه منابع مالی به اندازه (۱۰۳۳۵/۷۲) میلیارد ریال به بخش خصوصی غیرمالی دارد، از همین بخش معادل (۷۹۱۲۷۰/۸۸) میلیارد ریال تقاضای مالی می‌کند که به طور متوسط برآیند این دو عنصر در طی زمان رقم ۸۰۹۲۹۸/۱۸ میلیارد ریال متوسط تقاضای وجوه بخش مؤسسات مالی از بخش خصوصی غیرمالی را به وجود می‌آورد.

در سطر دوم ماتریس فوق (X_2) بیشترین سهم تقاضای وجوه بخش عمومی غیرمالی که معادل ۶۳۴۵۸۶/۹۳ میلیارد ریال است، از طرف مؤسسات مالی و پس از آن خود بخش و بخش عمومی غیرمالی تأمین می‌شود. این بخش معادل (۶۳۷۰/۲۲) میلیارد ریال عرضه وجوه به بخش دنیای خارج دارد. اگر ارقام سطر فوق را به طور مشابه در ماتریس‌های پولی و مالی به تفکیک بررسی کنیم، ملاحظه می‌شود که بخش فوق عرضه پولی معادل (۵۰۸۰/۹۶) میلیارد ریال به بخش مؤسسات مالی دارد و به اندازه (۶۳۹۶۶۷/۹) میلیارد ریال تقاضای مالی از بخش مؤسسات مالی دارد که برآیند این دو طی زمان رقم (۶۳۳۵۸۶/۹۳) میلیارد ریال تقاضای وجوه از بخش فوق را نشان می‌دهد. سپس می‌توان گفت که در بازار وجوه، این رقم عمدتاً از تقاضای مالی برای بخش فوق شکل گرفته است و بخش عمومی غیرمالی نیازهای مالی خود را از بخش مؤسسات مالی تأمین می‌کند.

در سطر سوم (X_3) بخش اعظم تقاضای وجوه بخش خصوصی غیرمالی معادل رقم ۳۹۴۰۴۲۶/۲۴ میلیارد ریال است که از بخش مؤسسات مالی تأمین می‌شود، و پس از آن بخش

تجزیه و تحلیل جریان وجوه در بخش های اقتصادی ایران ۱۰۳

عمومی غیر مالی و بخش دنیای خارجی تأمین کننده نیازهای مالی این بخش است. همچنین بخش فوق معادل (۱/۶۹/۱۲۶۳۰) میلیارد ریال عرضه وجوه به خود بخش دارد. در صورتی که این اقلام در دو ماتریس پولی و مالی به تفکیک بررسی شود، ملاحظه می شود که بخش عمده عرضه وجوه بخش مذکور به خود بخش از وجوه پولی معادل (۷۸۰۵۰/۸۸) در ماتریس پولی تشکیل می شود، در حالی که سهم عمده تقاضای وجوه این بخش تقاضای مالی و معادل ۳۹۴۴۲۶/۲۴ میلیارد ریال در ماتریس مالی است. در این زمینه نیز می توان گفت که بخش خصوصی غیر مالی بیشتر نیاز مالی دارد تا پولی و بیشترین سهم تأمین نیاز فوق متعلق به بخش مؤسسات مالی است.

در سطر چهارم (X) بخش دنیای خارج بیشترین سهم از تقاضای وجوه خود را از بخش مؤسسات مالی معادل ۹۰۴۰۰/۷ میلیارد ریال و پس از آن بخش خصوصی غیر مالی و بخش عمومی غیر مالی تأمین می کند. این بخش معادل (۳۵۱۷۸/۸) میلیارد ریال عرضه وجوه به خود بخش دارد. در مقایسه با دو ماتریس پولی و مالی به تفکیک، این بخش نیز سهم عمده تقاضای وجوه اش، تقاضای مالی است که عمدتاً از بخش مؤسسات مالی تأمین می شود.

از دیدگاه تمرکز و عدم تمرکز وجوه در بازار وجوه، مقادیر متوسط γ برای هر بخش بیانگر این نکته است که به طور متوسط بخش مؤسسات مالی بیشترین سهم از تقاضای کل وجوه را که معادل ۱۲۴۷۸۳۲/۵ میلیارد ریال است به خود اختصاص داده است، و پس از آن به ترتیب بخش عمومی غیر مالی با ۹۵۹۵۴۰/۰۷ میلیارد ریال و بخش خصوصی غیر مالی با ۳۷۷۸۸۰/۱۶ میلیارد ریال کمترین تمرکز از بُعد تقاضای وجوه مربوط به بخش دنیای خارج است.

۲-۲. ماتریس های ضرایب کوواریانس و همبستگی^۱

در محاسبات عناصر ماتریس ها دو آماره دیگر نیز محاسبه شده است که نشان دهنده ضرایب کوواریانس و همبستگی بین جفت، جفت عناصر به صورت سری های زمانی است. به عنوان مثال، $(TW_{ij}$ و $COV(TW_{ij}))$ به شرطی که j بزرگتر از i باشد، نشان دهنده نوع ارتباط عنصر i و j است و ضریب $(TW_{ij}$ و $R(TW_{ij}))$ به عنوان ضریب همبستگی (شدت ارتباط) عناصر فوق را با یکدیگر و یا شدت همبستگی را نشان می دهد.

در این بحث به دلیل گسترده بودن حجم ضرایب محاسبه شده به وسیله کامپیوتر از تحلیل اقتصادی آن ها خودداری می کنیم^۲ و صرفاً این ضرایب همبستگی را برای متغیرهای تقاضای کل هر بخش در هر سه بازار پولی، مالی و بازار وجوه مورد بررسی قرار می دهیم.

1. Covariance - Correlation

۲. نگاه کنید به ضمیمه کامپیوتری در متن اصلی طرح.

ماتریس ضرایب همبستگی در عرضه و تقاضای کل بازار پولی

فرم کلی این ماتریس براساس مقادیر حقیقی آن به صورت زیر نوشته می‌شود:

TW ₄	TW ₃	TW ₂	TW ₁	R
-۰/۱۴	-۰/۴۱	-۰/۰۷۳	۱	TW ₁
۰/۰۷	۰/۴۷	۱	-۰/۰۷۳	TW ₂
-۰/۱۹	۱	۰/۴۷	-۰/۴۱	TW ₃
۱	-۰/۱۹	۰/۰۷	-۰/۱۴	TW ₄

ضرایب همبستگی در این ماتریس نشان دهنده نوع و شدت ارتباط بخش‌های اقتصادی در بازار پولی است. بیشترین ارتباط بخشی به صورت منفی بین مؤسسات مالی TW₁ و بخش خصوصی غیرمالی TW₃ با ضریب (-۰/۴۱) برقرار است و مفهوم آن منفی بودن رابطه متقابل بین تقاضای دو بخش در بازار پولی با این ضریب است.

بیشترین رابطه بخشی به صورت مثبت بین بخش عمومی غیرمالی (TW₂) و بخش خصوصی غیرمالی با ضریب (۰/۴۷) است به این معنی که تغییرات تقاضای پولی دو بخش در مقطع مورد مطالعه دارای روند هم جهت با شدت ۰/۴۷ است.

از این دیدگاه ضعیف‌ترین ارتباط را می‌توان بین روابط تقاضا و عرضه پولی بخش دنیای خارج و بخش عمومی غیرمالی ملاحظه کرد.

ماتریس ضرایب همبستگی در عرضه و تقاضای کل بازار مالی

فرم کلی این ماتریس براساس مقادیر حقیقی آن به صورت زیر نوشته می‌شود:

TF ₄	TF ₃	TF ₂	TF ₁	R
۰/۱۶	-۰/۴۸	-۰/۱۵	۱	TF ₁
-۰/۰۵	-۰/۳۱	۱	-۰/۱۵	TF ₂
۰/۳۱	۱	-۰/۳۱	-۰/۴۸	TF ₃
۱	۰/۳۱	-۰/۰۵	۰/۱۶	TF ₄

در ماتریس فوق ضرایب همبستگی بیانگر نوع و شدت ارتباط بخش‌های اقتصادی در بازار

مالی از دیدگاه عرضه و تقاضای مالی است.

در این بازار نیز بیشترین ارتباط منفی بین بخش مؤسسات مالی و بخش خصوصی غیرمالی با ضریب (۰/۴۸-) وجود دارد. قوی‌ترین همبستگی مثبت بین بخش خصوصی غیرمالی و بخش دنیای خارج و ضعیف‌ترین آن بین بخش عمومی غیرمالی و بخش دنیای خارج با ضریب (۰/۰۵) برقرار است.

ماتریس ضرایب همبستگی در عرضه و تقاضای وجوه

فرم کلی ماتریس براساس مقادیر حقیقی در بازار وجوه برای بخش‌های چهارگانه اقتصادی به صورت زیر نوشته می‌شود:

Y_4	Y_3	Y_2	Y_1	R
-۰/۳۳	۰/۲۷	۰/۲۶	۱	Y_1
-۰/۰۵	-۰/۰۱	۱	۰/۲۶	Y_2
-۰/۳۲	۱	-۰/۰۱	۰/۲۷	Y_3
۱	-۰/۳۲	-۰/۰۵	-۰/۳۳	Y_4

در بازار وجوه روابط متغیرها از بُعد شدت همبستگی، بین بخش مؤسسات مالی با بخش‌های عمومی و خصوصی غیرمالی مثبت است و سایر روابط بخش به صورت منفی است. تغییرات عرضه و تقاضای وجوه در بخش مؤسسات مالی با بخش‌های عمومی و خصوصی غیرمالی هم با بخش خصوصی غیرمالی منفی و در حد بسیار ضعیف (۰/۰۱-) است و همچنین ارتباط همبستگی بخش عمومی غیرمالی با بخش دنیای خارج (۰/۰۵-) است، و در بخش دنیای خارج کاهش تقاضا یا عرضه وجوه را شاهد خواهیم بود و برعکس.

۳-۲. تحلیل هندسی

در این قسمت اطلاعات آماری تقاضای کلی بخش‌های چهارگانه مذکور از منابع پولی و مالی را در مقطع سال‌های ۶۴-۱۳۵۳، بر روی چهار نمودار ترسیم و تجزیه و تحلیل خواهیم کرد. در نمودار شماره ۱، TW1 و TF1 به ترتیب نشان‌دهنده تقاضای کل منابع پولی و مالی بخش اول یعنی مؤسسات مالی است.

ملاحظه می‌شود که تقاضای کل منابع مالی بخش مؤسسات مالی از سال ۵۵ دارای روند کاهنده و در سال ۵۸ به صفر و منفی می‌گراید و در سال‌های ۵۸ تا ۶۰ مجدداً شروع به افزایش

می‌کند و پس از آن کاهش یافته و منفی می‌شود. همچنین تقاضای کل منابع پولی برای این بخش همراه با نوسان‌های نسبتاً زیاد دارای روند صعودی بوده است.

روند و نوسان‌های منابع پولی و مالی در بخش مؤسسات مالی نشان می‌دهد که در این بخش تقاضای منابع مالی از ثبات بیشتری برخوردار است، لیکن یک رابطه جانشینی بین منابع پولی و مالی در این بخش می‌توان ملاحظه کرد؛ به طوری که در هر سال که تقاضای منابع مالی کاهش یافته تقاضای پول افزایش یافته است و بر عکس؛ و این مسأله گویای این نکته است که تقاضای کل منابع وجوه (اعم از پولی و مالی) در این بخش دارای روند تقریباً ثابت و افزایشی است.

نمودار شماره ۲ تقاضای کل منابع پولی و مالی به ترتیب با حروف TF2 TW2 برای بخش دوم یعنی بخش عمومی غیرمالی نشان می‌دهد. در این بخش تقاضای کل منابع پولی TW2 تا سال ۵۸ همراه با نوسان‌های محدود مثبت بوده و از سال ۵۸ روند کاهنده را تا سال ۶۰ طی کرده است و از سال ۶۰ دارای روند صعودی و پس از آن از سال ۶۳ روند نزولی و منفی را به دنبال داشته است. منفی بودن تقاضای پولی چنانچه قبلاً ذکر شد، به مفهوم عرضه منابع پولی در این بخش در سال‌های ۶۳ و ۶۴ است.

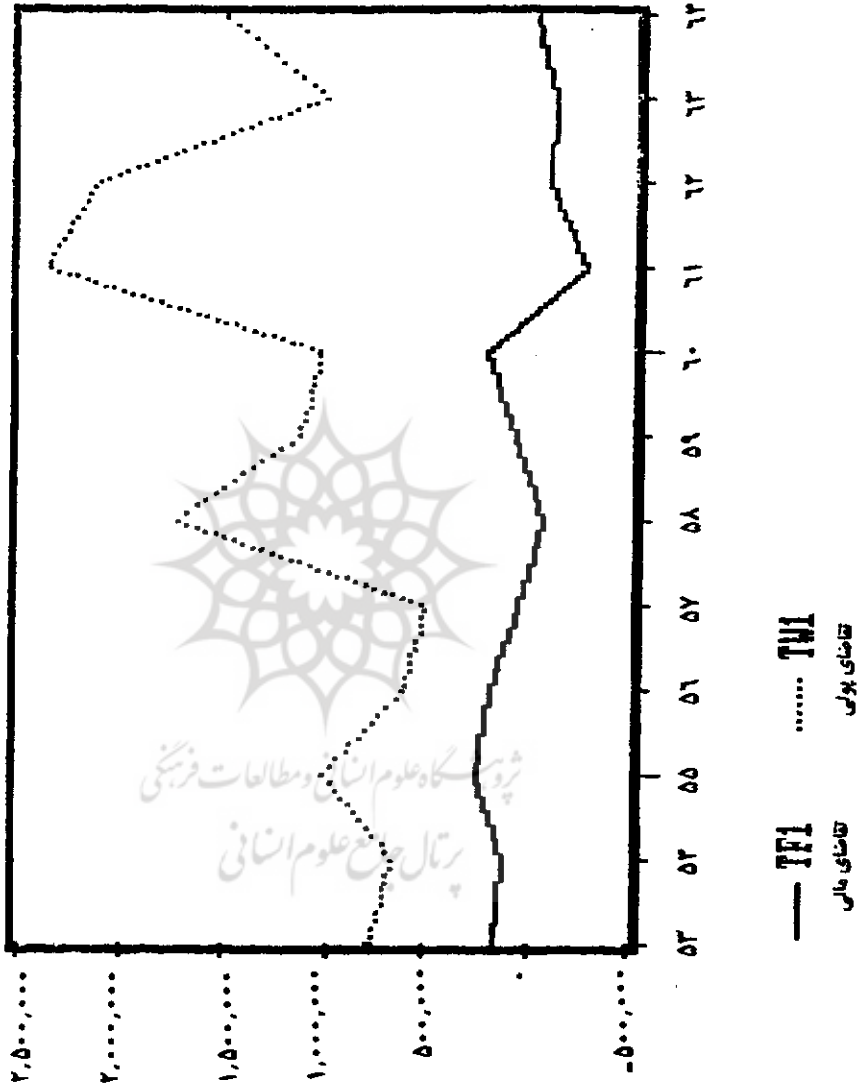
تقاضای کل منابع مالی در بخش عمومی غیرمالی در مقطع ۶۴ - ۱۳۵۳ همواره با نوسان‌های محدود مثبت بوده است و بیشترین مقدار خود را در سال ۵۸ نشان می‌دهد، و این در حالتی است که در سال ۵۸ تقاضای منابع پولی صفر بوده است و همان مفهوم جانشینی منابع پولی و مالی را برای کل وجوه با درصد ضعیف‌تری برای این بخش، مشابه بخش مؤسسات مالی بیان می‌کند.

نمودار شماره ۳ تقاضای کل منابع پولی را به ترتیب با TW3 و TF3 برای بخش سوم یعنی بخش خصوصی غیرمالی نشان می‌دهد. در این بخش تقاضای کل منابع پولی تا ۱۳۵۷ همراه با نوسان‌های محدود دارای روند افزایش‌یابنده بوده است و پس از آن تا سال ۶۱ همراه با کاهش شدید و منفی و فقط در سال ۶۲ مثبت بوده است.

در بخش خصوصی غیرمالی بیشترین مقدار تقاضای منابع مالی مربوط به ۱۳۵۹ و کمترین آن در سال ۶۰ است و تقاضای منابع مالی این بخش در مقطع مورد مطالعه همواره مثبت بوده است. به طوری که ملاحظه می‌شود، روابط جانشینی منابع پولی و مالی در این بخش (خصوصاً در سال‌های پس از انقلاب) از شدت بیشتری برخوردار بوده است.

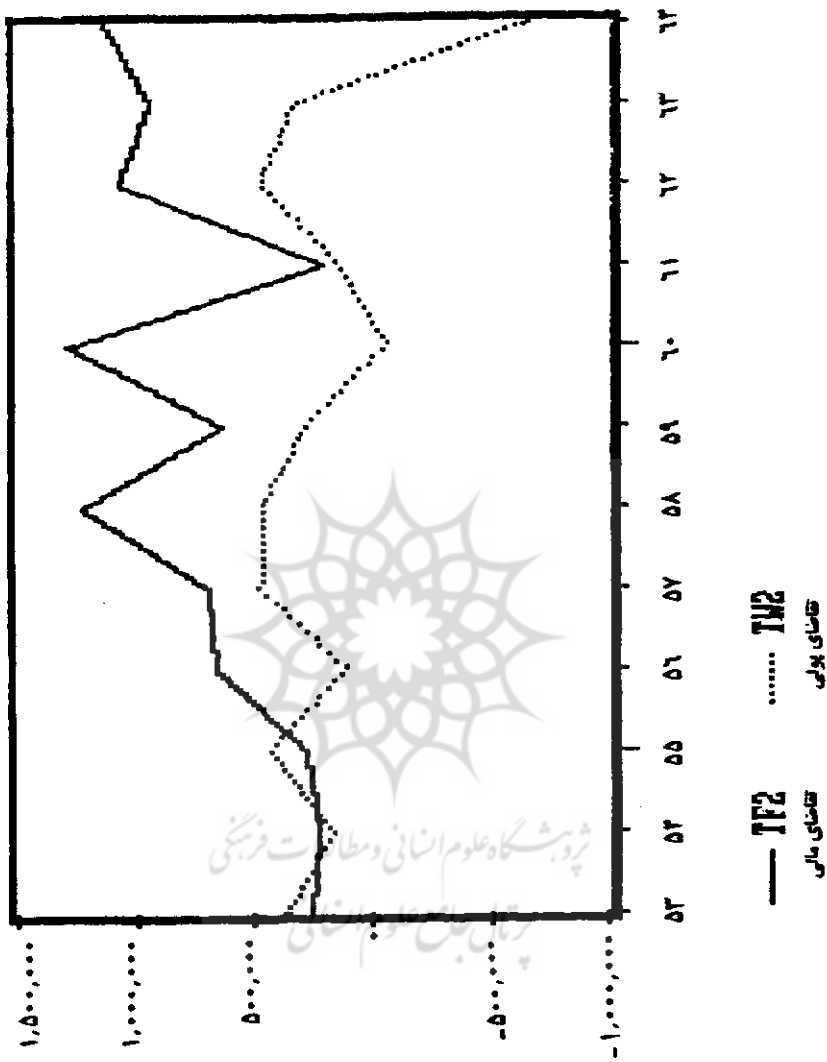
در نمودار شماره ۴ تقاضای کل منابع پولی و مالی با TW4 و TF4 نشان داده شده است. نوسان‌های تقاضای کل برای هر دو منبع همجهت است. همچنین بیشترین تقاضای منابع پولی و مالی

نمودار شماره ۱: تقاضای کل منابع پولی و مالی بخش موسسات مالی (۶۴ - ۱۳۵۳)
(میلیارد ریال)



— TF1
..... TM1
تقاضای مالی
تقاضای پولی

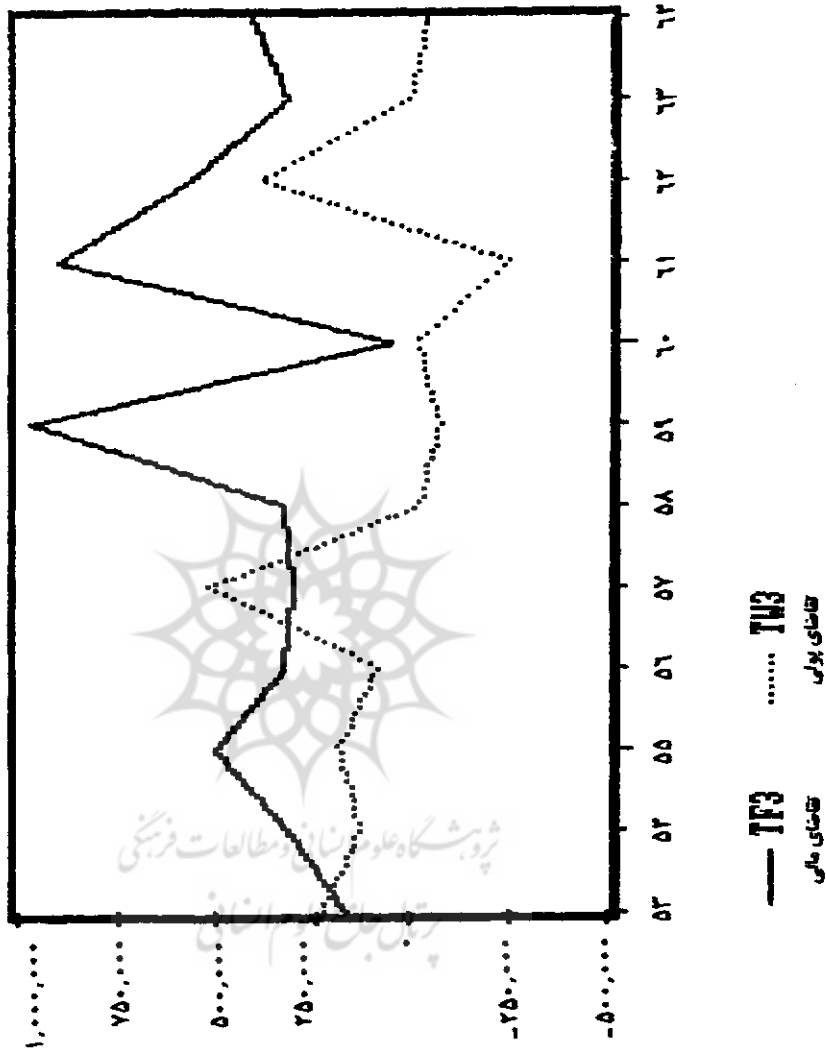
نمودار شماره ۲: تقاضای کل منابع پولی و مالی بخش عمومی غیرمالی (۶۳ - ۱۳۵۳)
(میلیارد ریال)



شوریه شگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
مرکز بین المللی علوم انسانی

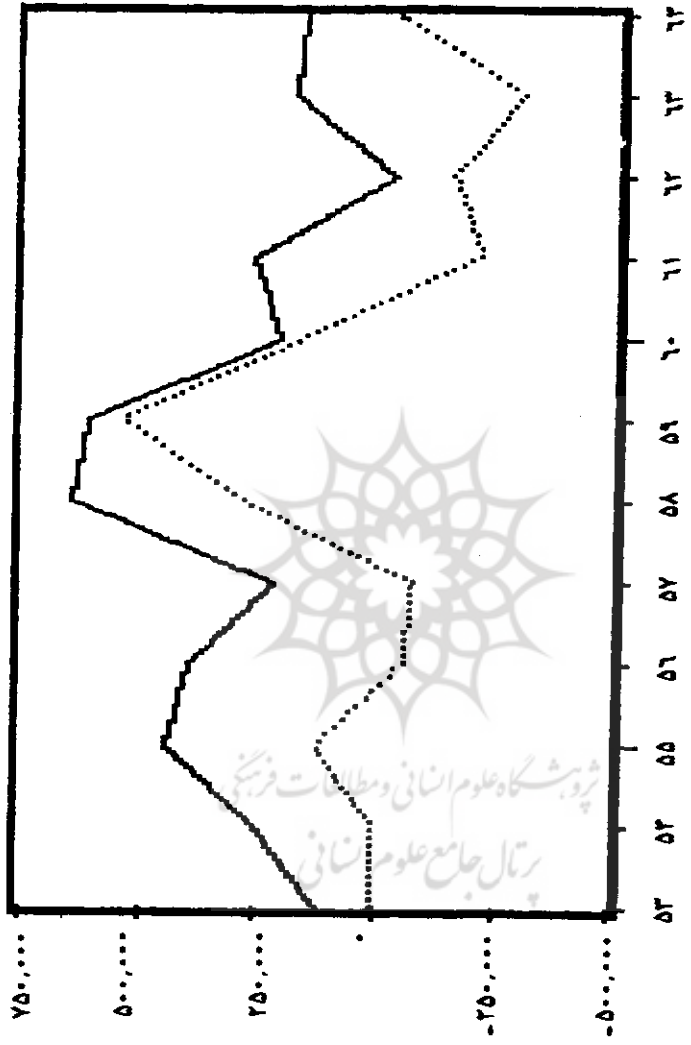
— TMR
..... TMR2
تقاضای مالی
تقاضای پولی

نمودار شماره ۳: تقاضای کل منابع پولی و مالی بخش خصوصی غیرمالی (۶۴-۱۳۵۳)
(میلیارد ریال)



— TF3
 TFB
 تقاضای پولی
 تقاضای مالی

نمودار شماره ۴: تقاضای کل منابع پولی و مالی بخش دنیای خارج (۶۴ - ۱۳۵۳)
(میلیارد ریال)



— TFA
..... TMA
تقاضای مالی
تقاضای پولی

مربوط به سال‌های ۵۸ - ۵۹ است. در این بخش امکان جانشین کردن منابع پولی و مالی بسیار ضعیف است.

در سال‌های پس از ۵۹ همراه با کاهش واردات و حجم فعالیت‌های خارجی، تقاضای منابع وجوه رو به کاهش بوده است، به طوری که تقاضای پول در مقطع ۶۰ تا ۶۴ منفی شده است. از مقایسه چهار نمودار می‌توان دریافت که به دلایل سیاسی - اقتصادی نوسان‌های تقاضا و عرضه منابع پولی و مالی در دوره پس از انقلاب اسلامی از شدت بیشتری برخوردار بوده است. همچنین از دیدگاه تمرکز و عدم تمرکز بخش بیشترین تمرکز بخش منابع مالی در بخش عمومی غیرمالی بوده است که علت اصلی آن را می‌توان اتکاء دولت به سیستم مالی و اعتبارات بلندمدت و این منابع از طریق مؤسسات مالی دانست. کمترین تمرکز منابع پولی و مالی مربوط به بخش دنیای خارج است که علت اصلی را می‌توان محدود بودن حجم فعالیت‌های خارجی تصور کرد. بیشترین تمرکز منابع پولی در بخش مؤسسات مالی صورت گرفته و دلیل آن ماهیت فعالیت‌های این بخش از جنبه اقتصادی نسبت به سایر بخش‌ها است.

نتایج

نتایج کل طرح شامل سه دسته نظری، کاربردی و عملی است که در اینجا فقط به ذکر نتایج عملی اکتفا خواهیم کرد. لازم به ذکر است، نتایجی که برای یک یا چند بخش به صورت موردی ارائه می‌گردد، قابل تعمیم به سایر بخش‌های اقتصادی است.

۱. بررسی نمودار تقاضای بخشی و بویژه مقایسه آن‌ها در دو دوره قبل و پس از انقلاب اسلامی، در دو بازار پولی و مالی، نشان می‌دهد که به لحاظ تحولات سیاسی - اقتصادی و به تبع آن عدم ثبات در سیاست‌گذاری‌های اقتصادی، بازارهای پولی و مالی با نوسان‌های شدیدی مواجه شده‌اند.
۲. تغییر گردش فعالیت‌های مالی بخش مؤسسات مالی از وجوه دارای ماهیت بلندمدت به وجوه دارای ماهیت کوتاه‌مدت. به عبارت دیگر، تقاضای این بخش از منابع مالی به سمت منابع پولی گرایش یافته است.
۳. افزایش تقاضای وجوه بخش مؤسسات مالی (در سال‌های افزایش بودجه) از بخش عمومی غیرمالی. به عبارت دیگر، عرضه وجوه بخش عمومی غیرمالی به مؤسسات مالی گرایش یافته است.
۴. کاهش عرضه وجوه بلندمدت مالی بخش دنیای خارج و بخش خصوصی غیرمالی برای مؤسسات مالی طی دوره مورد بررسی.
۵. برتری نسبی کارایی و بازدهی وجوه بلندمدت فعالیت‌های مالی نسبت به فعالیت‌های پولی (یا وجوه کوتاه‌مدت) در بخش عمومی غیرمالی.
۶. محدود شدن عرضه وجوه بلندمدت (با فعالیت‌های مالی) بخش خصوصی غیرمالی و بخش دنیای

- خارج در بازار پولی و بازار مالی (در مقطع مورد مطالعه).
۷. روند نزولی تقاضای وجوه بلندمدت بخش دنیای خارج (طی دوره مورد بررسی).
۸. روند فزاینده حجم فعالیت‌های مالی بخش دنیای خارج در دوره قبل از انقلاب اسلامی و تنزل آن در دوره پس از انقلاب.
۹. افزایش عرضه وجوه بلندمدت موسسات مالی به بخش عمومی غیرمالی (استقراض از سیستم بانکی به صورت اعتبارات بلندمدت).
۱۰. تمرکز و روند افزایشی آن برای منابع مالی (یا وجوه بلندمدت) در بخش عمومی غیرمالی. در دوره قبل از انقلاب بخش خصوصی غیرمالی دارای بالاترین سهم از منابع وجوه بوده است که این روند در دوره بعد از انقلاب (در مقطع ۶۴ - ۱۳۵۸) به نفع بخش عمومی غیرمالی تغییر کرده است. (به عبارت دیگر، در این مقطع روند خصوصی‌سازی تضعیف گردیده است).

فهرست منابع

الف) فارسی

- آلفرد اشتوبه، حسابداری فعالیت‌های اقتصادی، ترجمه دکتر ابراهیم بیضایی، انتشارات پیشبرد، تهران، ۱۳۶۵.
- حسن گلریز، حسابداری اقتصادی، انتشارات پیشبرد، تهران، ۱۳۶۵.
- بانک مرکزی ایران، الگوی جریان وجوه برای اقتصاد ایران، دی ۱۳۵۹.
- حسن مهاجرشیروانی، حسابهای جریان وجوه در ایران، بانک مرکزی اقتصادی، بهمن ۱۳۵۸.
- ر. س. لورنس، حساب‌های جریان وجوه یا چهار چوبی برای تجزیه و تحلیل مسائل مالی، بانک مرکزی ایران، ۱۳۵۲.

ب) انگلیسی

- Maxwel J. Fry, *Money, Interest, and Banking in Economic Development*, University of California, Irvine.
- Raymond W. Goldsmith, *The Financial Development of India, 1860 - 1977*, Oxford University Press.
- Maxwel J. Fry, *Money and Banking in Turkey*, University of Hawaii & Bogazia University and Miriam Rodrik Farhi.
- Patric H. Hendershott, *Understanding Capital Markets*, Vol.1, Purdue University.
- Flow of Funds in the United States, 1939 - 1953*, Board of Governors of the Federal Reserve System.
- An Introduction to Flow of Funds Accounting: 1952 - 70*, Bank of England.
- Meir Heth, *The Flow of Funds in Israel*, Bank of Israel, 1970.